اعوذ بالله من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم و الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا رسول الله و آله الطیبین الطاهرین المعصومین و اللعنة الدائمة علی اعدائهم اجمعین

اللهم وفقنا و جمیع المشتغلین و ارحمنا برحمتک یا ارحم الراحمین

**عرض شد که دیشب که این بحث‌های فهرستی که روی نوشتارها کار می‌شود که عرض کردیم این نوشتارها نسبت به قرن دوم عده‌ایشان مستقیم از امام نوشتند عده‌ایشان هم خوب نه بعدها و ما انواعش را داریم یعنی این بحث فهرستی یک کار اساسی‌اش این است که تاریخ اینها را وضع اینها را جغرافیای اینها را یکی یکی روشن می‌کند ، البته عرض کردم با تمام زحمات و با تمام مراجعات و ریزه کاری‌‌ها و دقت‌ها و اینها یک چیزی در حدود 60 – 70 درصد را می‌شود روشن کرد بقیه هنوز ابهام دارد یعنی ابهام زیاد داریم .**

**که نتیجتا شاید مثلا با بحث حجیت و تعبد و اینها درستش بکنیم مثلا قبول اصحاب و یا نسخه‌ی مشایخ و از این جور حرف‌ها و الا انصافا این راهی را که عرض کردیم نمی‌تواند جواب بدهد و یک نکات دیگری را هم که بعد عرض می‌کنیم .**

**عرض کردیم کتاب برای نمونه دو کتاب علاء و کتاب معاویة بن عمار در حج خیلی خوب است اما آن الان نمی‌توانیم بحثش بکنیم چون آن باید نوشته بشود یعنی این نوشتار بیاید مقابل انسان قرار بگیرد آدم آن وقت تعجب می‌کند که چطور اختلاف نسخ یعنی بعبارة اخری معرفت مصدر بشناسیم مصدر کتاب ابن ابی عمیر است یا کتاب معاویة بن عمار است کافی نیست این‌ها تحلیل‌های خاص خودش را می‌خواهد در تحلیل فهرستی اینها یکی یکی بیان می‌شود نکاتش گفته می‌شود .**

**مخصوصا کتاب معاویة بن عمار به خاطر بعضی جهات که الان نه حالش را دارم و توضیحش یک کمی طول می‌کشد نه اینکه چون باید بیاورم نوشته بیاورم بخوانم از کتاب بحار و دیگران و نکات لطیفی دارد خیلی نکات ظریف و فنی دارد آنجا خیلی فنی است انصافا حقا یقال یعنی بله به اصطلاح کوه را از پا در می‌آورد نکات فنی بسیار لطیفی این کتاب معاویة بن عمار دارد و مخصوصا هم اختلاف نسخش از یک جهت و هم یک چیزهایی بعدها رسیده توسط همین فقه الرضا و نوادر و اینها می‌گویم خیلی طولانی است اگر من فقط برای نمونه مثال زدم نه اینکه بخواستم کتاب علاء را الان بخوانیم و تاثیر گذار هم هست یعنی اینطور نیست .**

**یک روایتی را اخیرا از کتاب علاء می‌خواهید بیاورید در وسائل در جلد 14 چاپ قدیم ابواب ما یحرم بالمصاهرة و ثم تری قوله تعالی وربائبکم اللاتی فی حجورکم این روایتی که از عمار ، ایشان البته صاحب وسائل دو بار این روایت را آورده است بعضی سندها را یک جا آورده بعضی سندها را باب دیگر آورده که از این کارها می‌کند صاحب وسائل حالا اگر آوردید من یک نکته‌ای**

**یکی از حضار : جلد چند فرمودید ؟**

**آیت الله مددی : جلد 14 ، ابواب ما یحرم بالمصاهرة کتاب نکاح ، با داماد شدن به اصطلاح فکر می‌کنم باب 9 یا 11 است بله عن علی بن الحکم عن العلاء عن محمد بن مسلم عن ابی جعفر علیه السلام و این کتاب یک کتاب بسیار معروفی است حالا شرح کتاب و اینها**

**یکی از حضار : کتاب علاء ؟**

**آیت الله مددی : بله بسیار**

**یکی از حضار : یکی داریم اینجا که عن محمد بن مسلم سالت احدهما علیهما السلام**

**آیت الله مددی : همین احدهما**

**یکی از حضار : عن رجل کانت له جاریة آدرسش را عرض کنم جلد 14 که فرمودید صفحه‌ی 351 ابواب ما یحرم بالمصاهرة باب 18 حدیث 2**

**آیت الله مددی : خوب 18 حدیث 2 ، یک باب هم مثلا هفت ، هشت باب بعدش هم می‌آوردش از یک مصدر دیگر ، حالا این را بخوانید این بابش باب 9 – 11 گفتم همین 18 است .**

**یکی از حضار : 18 ؟**

**آیت الله مددی : بله همین که ، نه چاپ مرحوم ربانی .**

**یکی از حضار : الان ربانی را دارم عرض کنم آل البیت را هم دارم بله .**

**آیت الله مددی : من چون نجف خواندم یا اینجا همه با چاپ آل البیت سر و کارم با این بوده با ربانی بوده حالا یک قصه‌ی قشنگی هم داریم .**

**ما یک سفر که می‌خواستیم برویم حج این سه جلد حج ایشان را با خودمان برداشتیم بردیم که مثلا در ایام حج ، وسائل بله آنجا تفتیش گفت چه آوردید گفتم وسائل ، گفت آقا نمی‌شود ممنوع است کتابش ، گفتم آقا این کتاب سیاسی نیست این کتاب الحج است فلان گفت نمی‌شود آقا ممنوع است ، هر چه صحبت کردیم گفت خیلی خوب ما امانت می‌گذاریم مخصوصا یک جوانی بود آن مرد کامل خیلی نق نمی‌زد یک مرد کاملی بود از این وهابی‌ها یعنی از این تندها بود یک جوانی بود مامور بود دلش به حال ما سوخت گفت خیلی خوب ما این را اینجا امانت می‌گذاریم ورقه هم به من داد شما حجتان را انجام بدید برگشتید بیاید این را بگیرید ، گفتیم خیلی خوب .**

**بله ما آقا برگشتیم و خدا من چه کار بکنم یک شرطه‌ی کمن سبز گونه هم بود یعنی تقریبا می‌شود گفت مثل سیاه گونه بود این گفت سید احمد مددی گفتم بله گفت پس بیا این کتابت را بگیر فهمیدم فرستادند تو راه به من گفت من این کتابت را خواندم چیزی نداشت بیخود خیلی خنده دار است گفت ویل لمن کفره نمرود بعد ، ها این را به او گفتم ، گفتم آقا این کتاب الحج است این را من در حوزه درس خواندم و صحبت کردم و به او نشان دادم گفتم نگاه کن من حاشیه زدم به خط خودم این حاصل عمر من است این شوخی نیست این کتاب‌های سیاسی نیست این را آوردم برای مسائل حج که اینجا اتفاق می‌افتد این کتابی نیست که مسائل سیاسی باشد آن شرطه هم به من گفت .**

**البته وقتی که رفتیم اولش یکی‌شان بهانه می‌کرد که نیست و اینها و بعد پیدا شد الحمدلله هر سه جلد ما را برگرداندند خلاصه‌ی مطلب از نعم الله لذا چون من با او کار کردم می‌گویم دل سعودی هم به حال من سوخت چون دید من حاشیه زدم الان بیشتر مراجعات من به اوست در درس هم توضیح می‌دهم می‌گویم آقا خیال نکنید مساله‌ای است من چون روی این کتاب حاشیه نوشتم اصلا بعضی ابواب الان نگاه می‌کنم خودم متحیر می‌مانم کی نوشتم اصلا خط من که خط من است کی نوشتم را خودم متحیرم مثلا ابواب دور از ذهن ابواب دین ابواب مثلا رهن من متحیرم که کی این حاشیه‌ها را نوشتم کی نوشتم که ضعیفٌ حسنٌ این سندش فلان است خودم هم واقعا متحیرم که کی نوشتم نمی‌دانم .**

**علی ای حال این را نگاه کنید حالا محبت کنید ، از سند اول بخوانید .**

**یکی از حضار : ایشان از کافی آوردند منتها چون سند عوض می‌شود من از خود کافی بخوانم چون در خود کافی هم متن همین است**

**آیت الله مددی : باشد اشکال ندارد چون چند تا سند دیگر هم دارد وسائل چون جمع است ،**

**یکی از حضار : عین متن کافی است .**

**آیت الله مددی : می‌دانم نه می‌خواهم مقابله کنم ، کافی یکی است می‌خواهم مقابله کنم . بخوانید .**

**یکی از حضار : حدیث سند اول حدیث اول باب از محمد بن یعقوب است .**

**آیت الله مددی : نه دومی**

**یکی از حضار : عن محمد بن یحیی عن محمد بن احمد بن عیسی بعد ایشان**

**آیت الله مددی : دارند عنه من دیدم بعضی آقایانی که ادعای حتی نسبت اعلمیت هم دارند عنه را زدند به محمد چون مرحوم صاحب وسائل این طوری است حدیث را نشان می‌دهد عن محمد بن یعقوب عن محمد بن یحیی بعد می‌گوید حدیث دو عنه ، عنه را زدند به محمد بن یعقوب خیال کردند از کلینی بیچاره‌ها اینقدر این عنه به محمد بن یحیی برمی‌گردد ، این اصولا البته روش صاحب وسائل این روش علمی نیست الان قابل قبول نیست .**

**یکی از حضار : روشش قبول نیست صاحب وسائل ؟**

**آیت الله مددی : بله خوب**

**یکی از حضار : اینجا این طوری شروع کرده و باسناده عن الحسین بن سعید**

**آیت الله مددی : تا گفت باسناده حتما از شیخ طوسی است . این ببینید حالا حدیث اول را حالا**

**یکی از حضار : خواستم عرض کنم**

**آیت الله مددی : حدیث اول بخوان محمد بن**

**یکی از حضار : حدیث اول بعد می‌گوید و رواه الصدوق باسناده احمد بن محمد**

**آیت الله مددی : ببینید دقت کنید ، صبر بکنید ، اول می‌گوید محمد بن یعقوب عن فلان عن فلان بعد که تمام می‌شود ورواه الصدوق اگر گفت ورواه الصدوق دیگر حدیث بعدی روی صدوق عطف نمی‌کند روی محمد بن یعقوب این روش ، هر جا اسم شخص را کامل آورد حدیث بعدی هم از اوست مثلا گفت محمد بن علی بن الحسین بعد گفت وعنه مثلا محمد بن علی بن الحسین باسناده مثلا عن زراره و گفت وباسناده یعنی حدیث بعدی یعنی صدوق اگر اسمش را ناقص آورد عطف به او نمی‌کند ورواه الصدوق گفت حدیث بعدی ، مثلا حدیث بعدی گفت عنه این مربوط به صدوق نیست این روش علمی نیست دقت می‌کنید ، اصلا دیدم بعضی از بزرگان ادعای اعلمیت هم می‌کنند اصلا اشتباه کردند ملتفت روش ایشان نیستند این روش علمی نیست انصافا این روش از نظر علمی الان قابل قبول نیست .**

**اینکه گفت رواه الصدوق خیلی خوب بخوانید بعدش**

**یکی از حضار : بعد هم دارد ورواه الحمیری فی قرب اسناد بعد آخرش می‌گوید محمد بن الحسن باسناده عن**

**آیت الله مددی : تا گفت محمد بن الحسن حدیث بعدی عطف بر محمد بن الحسن است .**

**یکی از حضار : این آخرش چیز کرده تعلیق کرده وباسناده عن الحسین بن سعید**

**آیت الله مددی : و باسناده یعنی محمد بن الحسن ، با اینکه اسم حمیری هم در وسط برد اسم صدوق هم در وسط چون گفت ورواه الصدوق اگر بخواهد عطف بکند کامل تا گفت مثلا اگر می‌گفت ورواه الشیخ باز به او عطف نمی‌کرد چون اسمش را کامل برد دقت کردید، این روش دقت کردید نمی‌دانم تا حالا دقت کردید ، علمی نیست یعنی پسندیده نیست تا گفت محمد بن الحسن باسناده ، حدیث بعدی تا گفت وباسناده یعنی محمد بن الحسن نه به صدوق ، اگر حمیری را بخواهد به او عطف بکند چه می‌گوید عبدالله بن جعفر الحمیری ، بعد حدیث بعدی را گفت وعن فلان باز هم برای حمیری اما اگر گفت ورواه الحمیری دیگر عطف به او نمی‌کند گفت ورواه الصدوق**

**عرض کردم من خیال کردم بلدید این یک روشی است صاحب وسائل دارد و انصافا هم روش خوبی نیست ای کاش در آن اشکالات آقای بروجردی هم ایشان این را مطرح می‌کرد این روش علمی نیست الان ، آقای بروجردی اسم می‌برد همه‌ی کتاب‌ها را ک ، تهذیب ، الان این روش هم علمی نیست ، الان بیشتر اسم کتاب را کامل کافی ، تهذیب اسم می‌برند دیگر اینکه بنویسند کا ، یب ، یه یعنی فقیه اینطور دیگر این کار را نمی‌کنند این رمز گذاری را علمی نمی‌دانند ، می‌گویند می‌نویسیم اسم کامل اسم درست و حسابی همان که هست دقت می‌فرمایید ؟ بله من لا یحضره الفقیه اسم دقیقش فقیه من لایحضره الفقیه است دیگر معروف شده به اسم من لا یحضره الفقیه خود وسائل**

**یکی از حضار : کتاب من لا یحضره الفقیه نیست ؟**

**آیت الله مددی : نه فقیه من لا یحضره الفقیه**

**یکی از حضار : یعنی چاپ شده به اسم فقیه چاپ شده آقای خرسان به این اسم چاپ کرده است .**

**آیت الله مددی : فقیه من لا یحضره الفقیه ، به جای آن طبیب من لا یحضره الطبیب**

**یکی از حضار : فقیه یا الفقیه من لا یحضره**

**آیت الله مددی : نه فقیهُ من لا یحضره الفقیه بعد مشهور شد به الفقیه مشهور شد یا کتاب وسائل می‌دانید شما ،**

**یکی از حضار : چاپ خرسان با فقیه است .**

**آیت الله مددی : فقیه من لا یحضره الفقیه**

**یکی از حضار : جامعه مدرسین به نظرم غفاری کتاب است .**

**آیت الله مددی : بله**

**یکی از حضار : آن کتاب است .**

**آیت الله مددی : دقت می‌کنید این کتاب چیز وسائل الشیعة اسمش این اسمش تفصیل وسائل الشیعة که آل البیت به این اسم چاپ کرد تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة اصلا اسم کامل کتاب این است یک تفصیل هم دارد اما فعلا تفصیل را ذکر نمی‌کنند می‌گویند وسائل الشیعة این رسم است دیگر حالا تسامحاتی شد . آن من لا یحضره الطبیب برای آن آقای چیز است به اصطلاح محمد رازی بفرمایید و باسناده عن الحسین بن سعید بفرمایید.**

**یکی از حضار : عن الحسن بن محبوب**

**آیت الله مددی : که خیلی جلیل القدر است هر دو بزرگوارند اصطلاحا صحیح اعلائی است بفرمایید .**

**یکی از حضار : عن فضالة بن ایوب عن العلاء بن رزین**

**آیت الله مددی : عن الحسین بن سعید عن الحسن بن محبوب وفضالة ، فضالة عطف بر حسن است یعنی حسین از دو راه یک راه فضالة یک راه حسن بن محبوب این خودش دو تا نسخه است و عرض کردیم مرحوم حسین بن سعید و علی بن مهزیار و برادرشان حسن یکی از لطایفشان این است میراث اهل کوفه را توسط فضاله نقل می‌کنند فضاله در اهواز بر این دو بزرگوار میراث کوفه را آورده ایشان از دو راه نقل می‌کند نسخه‌ی علاء این قدر معروف بوده این دو نسخه از علاء یکی نسخه‌ی حسن بن محبوب یکی نسخه‌ی فضالة بن ایوب هر دو هم تاریخش واضح است هر دو هم روشن است هر دو هم بدون ابهام عن العلاء بن رزین بفرمایید .**

**یکی از حضار : عن محمد بن مسلم قال سالت احدهما علیهما السلام عن رجل کانت له جاریة فاعتقت فزوجت فولدت ایصلح لمولاه الاول ان یتزوج ابنتها قال لا هی حرام وهی ابنته و المملوکة فی هذا سواء**

**آیت الله مددی : ببینید خیلی عجیب است این چند تا چون آن ربیبه حرام با آیه‌ی مبارکه ربائبکم ، ربیبه دختر زنی است که انسان ازدواج با او می‌کند اینجا ببینید چقدر بحث فقهی و دقیق آورده است درباره‌ی علاء نوشته تفقه علی ید محمد بن مسلم . اولا سوال این است که آیا مراد از ربیبه دختر زن آدم است یا دختر جاریه هم ربیبه است ؟**

**یکی از حضار : دختر جاریه‌ی انسان هم**

**آیت الله مددی : یعنی اگر انسان یک زنی را خرید کنیزی خرید دختر آن کنیز هم ربیبه است یا نه ؟ دقت می‌کنید ؟ والجاریة والمملوکة**

**یکی از حضار : سوال راوی از این مساله است**

**آیت الله مددی : نه امام جواب می‌دهد ، سوال راوی این است که جاریه بود امام می‌گوید فرق نمی‌کند جاریه ، دقت می‌کنید یعنی اینها شرح آیه‌ی مبارکه است که ربائب شامل دختر کنیز هم می‌شود ، یعنی زنی را که انسان مثلا حلال بود برایش دختر او حالا حلیتش به خاطر زوجیت بود یا مملوکیت ملک یمین به قول آقایان . دقت کردید چه شد ؟ این یک نکته والجاریة والمملوکة والحرة ، بعد دقت کنید می‌گوید هی ابنته یعنی این هم هنوز مثل همان ربیبه است والحرة والجاریة**

**یکی از حضار : والمملوکة فی هذا سواء**

**آیت الله مددی : فی هذا سواء بعد ؟**

**یکی از حضار : و عنه عن صفوان**

**آیت الله مددی : این تا اینجا ببینید عنه ضمیر عنه می‌گویم چون وسائل بدی دارد این وباسناده عن الحسین بن سعید ضمیر عنه به شیخ طوسی برنمی‌گردد به حسین برمی‌گردد تا گفت محمد بن الحسن همه‌ی احادیث عطف به اوست گفت باسناده عن الحسین بعد گفت وعنه یعنی باسناده عن الحسین بن سعید می‌گویم این روش مطلوب نیست یعنی من دیدم بزرگان گیر کردند و نفهمیدند که اصلا این ضمیرها را چگونه برگردانند یعنی شیخ طوسی باسناده عن حسین باز از کتاب حسین بن سعید بفرمایید ، عن صفوان این نسخه‌ی سوم ، حالا در این سوال اول یک نکته هست**

**یکی از حضار : عن العلاء بن رزین مثله وزاد**

**آیت الله مددی : صبر کن نه صبر کن آن وقت غیر از اینکه دختر کنیز مثل دختر زوجه است یک نکته‌ی خیلی عجیب در این روایت دارد آن نکته‌ی عجیب این است و آن اینکه اگر انسان با زنی ازدواج کرد دختر نداشت درست شد ، بعد طلاقش داد بعد این زن با یک مرد دیگری ازدواج کرد از او دختر دار شد**

**یکی از حضار :شامل این هم می‌شود یا نه ؟**

**آیت الله مددی : ها ، این ربیبه‌ی من هست یا نه ، وقتی یعنی این دقت کردید وقتی که مادرش زوجه‌ی من بود اصلا نبود به دنیا نبود ، دقت کردید امام می‌فرماید این هم ربیبه است حالا عجیب این است امام می‌گوید هی ابنته حالا مهمترش نه ببینید در نسخه‌ی صفوان ببینید دقت کنید خیلی لطیف است در نسخه‌ی صفوان همین سوال و جواب آمده همین جواب را امام می‌دهد و زاد ببینید ثم تلی قوله تعالی وربائبکم**

**یکی از حضار : شامل اینجا می‌داند ربائب را**

**آیت الله مددی : خیلی عجیب است .**

**یکی از حضار : این استنباط خود علاء بوده است .**

**آیت الله مددی : خوب این را شما می‌فرمایید ، ثم تلی قوله تعالی ، ببینید وقتی کتاب علاء را جمع بکنید دو تا نسخه‌ی بسیار صحیح است هر دو نسخه صحیح اعلائی است فضالة و حسن بن محبوب تا همین جا دارند نسخه‌ی صفوان که اصح از آنهاست اعلا شان از آنهاست دیگر صفوان ، ثم تلی قوله تعالی وربائبکم**

**یکی از حضار : دیگر از اطلاقش استفاده می‌کند**

**آیت الله مددی : یعنی می‌گوید ربائب با این است با اینکه این اصلا ربیبه نبود**

**یکی از حضار : این سوالش را در سوال زراره از امام صادق یک مقدار متفاوت شده قال سالت عن الرجل تکون له جاریة فیصیب منها اله ان ینکح ابنتها قال لا هی کما قال الله وربائبکم التی فی حجورکم**

**آیت الله مددی : خوب این چون بعدش نه این را هم می‌دانم این نکته‌اش چیست نکته‌اش این است که اصلا بعد ربیبه بعد دختر به دنیا آمده است آن وقت یک روایت به نظرم فقط در دعائم الاسلام آمده متاسفانه اصحاب ما می‌گویند که این ، چون ظاهر آیه ربیبه یعنی دختری را که انسان بزرگ کرده و در دامنش است اللاتی فی حجورکم در دامن ، یک در دعائم الاسلام یک زنی را می‌گیرد بعد این زن را طلاق می‌دهد این زن یک دختری داشته در شام از امیرالمؤمنین می‌پرسند می‌گوید اشکال ندارد بگیرد چون فی حجورش نبوده است این خیلی عجیب است تمام با این معارض است . ما نداریم این شاید در فقه اسماعیلی‌ها بوده است ما این را نداریم ما اصلا کسی در بین فقهای ما نگفتند حتما**

**این بدتر از او اصلا ربیبه نبوده بعد به دنیا آمده نه فقط فی حجورکم نبوده ، خیلی عجیب است ها یعنی عمده‌اش دقت کنید نکته را چه می‌خواهم بگویم این می‌گوید هی ابنته در آن متن می‌گوید هی ابنته**

**یکی از حضار : در دعائم یک روایت این شکلی آمد یک روایت می‌گوید که برای علاء بود وعنه قبلش جعفر بن محمد دارد علیه السلام انه قال اذا کانت الامة لرجل فوطئها لم تحل له ابنتها بعدها الحرة والمملوکة فی هذا سواء**

**آیت الله مددی : تلی قوله تعالی را نیاورده است . چقدر این نسخه فرق می‌کند ، آن وقت این چه نکته‌ای دارد دقت می‌کنید حالا این نکته‌اش یکی این نکته‌اش**

**یکی از حضار : دو تا سند دیگر را هم بخوانم یا ؟**

**آیت الله مددی : چند تا سند دیگر دارد ؟**

**یکی از حضار : دو تا دیگر دارد**

**آیت الله مددی : این الان ببینید این سند سوم نسخه‌ی صفوان ، نسخه‌ی صفوان تطبیق آیه کرد خیلی عجیب است . عن صفوان و عن علاء عن محمد ، خیلی عجیب است همان سوال و جواب است ، این سند دوم بخوانید بابا**

**یکی از حضار : چون برای کلینی یک مقدار کم دقت ایشان آورده از روی خود کلینی می‌خوانم چون می‌گوید ورواه مثله ، واین در کافی جلد 5 صفحه‌ی 433 محمد بن یحیی عن احمد بن محمد عن علی بن الحکم عن العلاء**

**آیت الله مددی : این یکی دیگر شد ، علی بن الحکم عن محمد ، آن سه تا شد دو تا اول برای شیخ طوسی از حسین بن سعید یعنی از حسین بن سعید سه تا این برای کلینی علی بن الحکم عن العلاء عن**

**یکی از حضار : اینجا هم سالت اباعبدالله است احدهما نیست**

**آیت الله مددی : ندارد ،**

**یکی از حضار : عن رجل کانت له جاریة فعتقت فتزوجت این کلماتش هم درست است فولدت ایصلح لمولاه الاول ان یتزوج ابنتها قال هی حرام علیه وهی ابنته والحرة والمملوکة فی هذا سواء**

**آیت الله مددی : این مثل همان عینا خیلی عجیب است یعنی مقابله‌ی این متون خیلی لطیف است ثم تلی قوله تعالی**

**یکی از حضار : ثم قراء هذه الآیة**

**آیت الله مددی : ثم قراء هذه الآیة وربائبکم خیلی عجیب است ، با اینکه ایشان ربیبه‌اش نیست اصلا یعنی ربیبه یعنی نزد آدم تربیت شده دیگر اصلا نبوده به دنیا نبوده وجود خارجی نداشته که ربیبه باشد حجورکم جای خودش حجورکم باشد یا نباشد . دقت کردید ؟ بعد بخوانید دیگر ندارد باز چرا دارد این .**

**یکی از حضار : آخر خود شیخ مرحوم کلینی اینجا سند دوم را می‌آورند بعد اینطوری می‌گویند که مرحوم آقای غفاری هم شماره‌ی جدید نزدند محمد بن یحیی عن احمد بن محمد عن ابن محبوب عن العلاء عن محمد بن مسلم عن احدهما مثله**

**آیت الله مددی : مثل همان کتاب حسین بن سعید است .**

**یکی از حضار : احدهما هم هست**

**آیت الله مددی : اما مثله آن تلی قوله تعالی را نداشت**

**یکی از حضار : نگفت ایشان فقط فرموده مثله**

**آیت الله مددی : تمام شد ؟ حالا برو باز باب دیگر دارد .**

**یکی از حضار : در وسائل اینجا تمام می‌شود اما در فقیه هم هست بخوانم خودم از فقیه**

**آیت الله مددی : نه برویم باب دیگر است اصلا برای آقای ربانی را بخوانید می‌گوید یاتی باب فلان شماره‌ی فلان برای آقای ربانی**

**یکی از حضار : الان من نخوانم ، فقیه را هم بخوانم دیگر**

**آیت الله مددی : خوب آن جا دارد .**

**یکی از حضار : بله چشم .**

**آیت الله مددی : عرض کردم یک اشکال اگر این اشکال را آقای بروجردی هم اشاره کرد اسانید را کامل نمی‌آورد یک بدی مرحوم صاحب وسائل این است آن وقت باب هم گاهی عوض می‌شود ای کاش فقط در همین باب مثلا در باب دیگری این اگر 18 است آن**

**یکی از حضار : باب 31**

**آیت الله مددی : باب 31**

**یکی از حضار : باب 21**

**آیت الله مددی : باب 21 بله**

**یکی از حضار : باب ان من ملک جاریة فوطئها حرم علیه وطی امها وبنتها بل اعتقت لا شرائهما لاخر عمره تا آخر چند حدیث آوردند حدیث پنجم محمد بن علی بن الحسین باسناده عن**

**آیت الله مددی : ببینید اینجا اسم صدوق را کامل آورد**

**یکی از حضار : ششم شده وباسناده عن العلاء**

**آیت الله مددی : باسناده عطف بر صدوق است . چون گفت محمد بن علی بن الحسین و باسناده عن العلاء بخوانید .**

**یکی از حضار : این همانی است که در فقیه است از فقیه بخوانم با اجازه‌تان که دقیق باشد .**

**آیت الله مددی : بخوانید .**

**یکی از حضار : می‌شود فقیه جلد 3 صفحه‌ی 452 ، حدیث 4566 وروی العلاء عن محمد بن مسلم عن ابی عبدالله علیه السلام قال سالت عن رجل کانت له جاریة وکان یاتیها**

**آیت الله مددی : این کان یاتیها زیادی نسخه‌ی صدوق است . یعنی چه می‌خواهد بگوید می‌گوید اگر مالک یک زنی جاریه بود اما وطی نشده بود بعد آزاد شد آن دخترش دیگر حرام نیست ، روشن شد ؟ در چهار تا سند تا حالا خواندیم کان یاتیها درش نیست صاحب وسائل هم عنوان بابی که الان اینجا خواندید یاتیها را اضافه کرد . من عرض کردم صاحب وسائل خیلی روی متون دقت دارد دقت کردید ؟ نکته‌ی فنی روشن شد ؟**

**آن وقت ربیبه هست که کان یاتیها اما اگر خریده بود بعد رهایش کرد یعنی آزادش کرد بعد دختر دار شد اشکال ندارد ، چون مادر این طور است اگر مادر را وطی کرد دختر حرام است والا فلا این در این چهار تا گفتم من آن دفعه هم عرض کردم پدر و پسر این طوری هستند به مجرد عقد حرام می‌شود پدر عقد بکند بر پسر حرام است پسر عقد بکند بر پدر حرام است به مجرد عقد در مادر و دختر به مجرد عقد بر دختر مادر حرام می‌شود اما مادر اگر عقد کرد حرام نمی‌شود با دخول حرام می‌شود به مجرد عقد نه در این چهار تا سه تایش به مجرد عقد حرام می‌شود یک موردش این طوری است ، حالا آن دخول هم یک شرحی دارد که الان دیگر حالش را نداریم باشد یک وقت دیگر بفرمایید.**

**یکی از حضار : فباعها فاعتقت**

**آیت الله مددی : این فباعها را هم اضافه کرده است .**

**یکی از حضار : فتزوجت فولدت ابنة هل تستحل حرمتها لمولاه**

**آیت الله مددی : ببینید مقابله‌ی نسخه‌های علاء که می‌کنیم دقت کردید ، کجا ؟ این مقابله خیلی تاثیر گذار است که نشان بدهد دقیقا این نسخ با همدیگر چه اختلافی داشتند ، ایصلح لمولاه الاول ؟**

**یکی از حضار : قال هی حرام علیه ، هی علیه حرام . تمام .**

**آیت الله مددی : ببینید هی ابنته نیامد ، آیه‌ی مبارکه نیامد .**

**یکی از حضار : کل مطلب امام خودش نقل به معنا کرده است اینجا**

**آیت الله مددی : بعید است ، چون بعضی جاهایش متن‌هایش کاملا مثل هم بودند . حالا طریق صدوق را به علاء بخوانید .**

**یکی از حضار : اشکال این است که طریق صدوق به علاء یکی نیست که یک نسخه بوده**

**آیت الله مددی : چهار تاست مثل اینکه چهار تا**

**یکی از حضار : ایشان در سندهای مختلف در فقیه گاهی به واسطه‌ی حسن بن محبوب از علاء نقل می‌کنند که در خود**

**آیت الله مددی : نه در مشیخه بیاورید به نظرم در و ما ، چهار تا یا پنج تاست به نظرم**

**یکی از حضار : چهارتاست .**

**آیت الله مددی : در مشیخه ، دقت کردید چهار تا نسخه آنجا بود که خواندیم ، حالا و ما کان فیه عن العلاء بخوانید**

**یکی از حضار : وما کان فیه عن العلاء بن رزین ، مشیخه جلد 4 صفحه‌ی 461 فقد روّیته عن ابی و محمد بن الحسن رضی الله عنهما**

**آیت الله مددی : ابن الولید ، بفرمایید .**

**یکی از حضار : عن سعد بن عبدالله**

**آیت الله مددی : احتمال دارد کتاب الرحمةی ایشان ، کتاب‌های سعد با واسطه باشد چون کتاب الرحمة درش نکاح ندارد مگر روایات متفرقه‌ی ایشان باشد بله بفرمایید .**

**یکی از حضار : والحمیری جمیعا عن احمد بن محمد بن عیسی از اینجا به بعد راوی مشترک است عن محمد بن خالد عن العلاء**

**آیت الله مددی : این محمد بن خالد در اینجا احتمالا محمد بن خالد برقی باشد ، برقی پدر . اگر آن باشد تضعیف شده یعنی تضعیف نشده گفتند کان ضعیفا فی الحدیث این یک احتمال ، یک احتمال به قرینه‌ی بقیه محمد بن خالد طیالسی باشد که از مشایخ بود بخوانید.**

**یکی از حضار : این دومی‌اش این است که وقد روّیته عن ابی و محمد بن الحسن رضی الله عنهما**

**آیت الله مددی : ابن الولید**

**یکی از حضار : عن سعد بن عبدالله والحمیری جمیعا عن محمد بن ابی الصهبان**

**آیت الله مددی : محمد بن ابی الصُهبان همان محمد بن عبدالجبار است ایشان محمد بن عبدالجبار غالبا از صفوان نقل می‌کند صفوان بن یحیی**

**یکی از حضار : عن الصفوان بن یحیی عن العلاء**

**آیت الله مددی : همان نسخه‌ی صفوان که شیخ طوسی هم توسط مرحوم حسین بن سعید نقل کرده بود خواندیم الان ببینید این مقابله‌ی نسخ با همدیگر با اینکه روایت واحده هم من چون تازگی در یک بحثی بود که این روایت را متعرض شدم حالا نکته‌ی مهم تر آن است که بعد عرض می‌کنم بعد بخوانید .**

**یکی از حضار : وروّیته عن ابی رضی الله عنه عن علی بن سلیمان الزراری الکوفی عن محمد بن خالد عن العلاء**

**آیت الله مددی : اینجا طیالسی است مرادش طیالسی است بفرمایید .**

**یکی از حضار : وروّیته عن محمد**

**آیت الله مددی : این علوّ اسناد داشت . بفرمایید .**

**یکی از حضار : وروّیته عن محمد بن الحسن رضی الله عنه**

**آیت الله مددی : ابن الولید**

**یکی از حضار : عن محمد بن الحسن الصفار**

**آیت الله مددی : دومی صفار است اولی ابن الولید است چون گاهی هم دارد محمد بن الحسن محمد بن الحسن اولی ابن الولید دومی صفار است بله .**

**یکی از حضار : عن احمد بن محمد بن عیسی ، عن الحسن بن علی بن فضال والحسن بن محبوب عن العلاء**

**آیت الله مددی : ببینید ابن فضال هم اضافه شد ابن محبوب ، ببینید پنج شش تا راه شد خیلی عجیب است یک حدیث واحد، اگر کتاب علاء را بخواهیم استخراج کنیم با این ترتیب آن وقت ببینید چه می‌شود ؟**

**یکی از حضار : همه‌اش هم به کتاب علاء است .**

**آیت الله مددی : همه اش هم به کتاب علاء است ، آن وقت اگر کل روایات ایشان اصلا یک مطالب فهرستی ما اصلا ، بعد از کتاب علاء مهم تر کتاب ، البته کتاب علاء مستقیم نیست از امام نیست از محمد بن مسلم است بخواهیم باز روایت معاویة بن عمار آن دیگر ببینید چه مصیبت خیلی سنگین است آن دیگر خیلی سنگین است یعنی با چیزهایی که بعد پیدا شده مثل فقه الرضاء و نوادر و اینها آن خیلی اوضاع را عوض می‌کند کلا اوضاع را عوض می‌کند که الان من حال شرحش را هم ندارم من برای نمونه**

**آن وقت من در این روایت یک نکته‌ی اساسی هست ، یک نکته‌ی اساسی در این روایت هست در این روایت ببینید یک بحثی در کفایه هست که نمی‌دانم زوجتان صغیره و کبیره و ام الزوجة صدق می‌کند ، یک بحثی است که اگر تلبس به مبداء می‌خواهد یا نمی‌خواهد در اینجا این که مهم است امام می‌گوید این ربیبه‌ی اوست با اینکه اصلا به دنیا نبود ربیبه یعنی بزرگ شده‌ی او حالا حجور که هیچ رهایش کن این که در دامن همان پدرش بزرگ شده است اصلاربیبه‌ی او نبود ، آن وقت از این چه می‌فهمیم یک نکته‌ی اساسی آن نکته‌ای که ما از این در همان بحث کبیره و صغیره هم عرض کردیم و چون اصحاب ما آن بحث را به مشتق بردند که نباید به مشتق می‌بردند آنجا توضیح دادیم این خیلی بحث است .**

**ما یک قاعده‌ی کلی داریم که آیا حیثیاتی که در لسان ادله هست تعلیلی است یا تقییدی ، گفتیم قاعدتا حیثیاتی که در لسان دلیل شرعی می‌آید تقییدی است ، قاعدتا این طور است . مگر دلیل بیاید که نه آن وقت مراد ما از حیثیات تقییدی یعنی خود متحیث با آن حیثیت موضوع هستند ، حیثیات تعلیلی یعنی فقط متحیث موضوع است، این علت بروز حکم است .**

**در این جا بحث سر این است مثلا ام الزوجة ، ام الزوجة یعنی یک کسی که الان زوجه‌ای دارد صدق زوجیت بر او می‌کند امی دارد ام الزوجة آن برایش حرام است ، حالا مسالة زوجة دارد اما ام ندارد بعد ام پیدا می‌کند ، حالا شما می‌گویید چطور می‌شود زوجه باشد ام نداشته باشد ، مثل یک دختر یکساله را بگیرد مادر ندارد خوب ، بعد یک زنی او را شیر بدهد این می‌شود مادرش**

**یکی از حضار : بعد از ازدواج بشود مادرش**

**آیت الله مددی : روشن شد مثال ؟ برای تعجب .**

**یکی از حضار : محل ابتلایشان نبوده است .**

**آیت الله مددی : بله خوب کار فقها همین است دیگر فتوای عجیب و غریبه در می‌آورند کارشان همین است ، دقت کردید ؟ این جا از فخر المحققین نقل کردند که این مبنی است بر مشتق که آیا متلبس نه ربطی به او ندارد اینجا نکته‌ی اساسی این است که کلمه‌ی زوجیت حیثیت تقییدی است یعنی کسی که زوجه هست مادر او در حالی که زوجه هست یا حیثیت تعلیلی است یعنی این مهم نیست مهم این است ذات زن را نگاه می‌کنند ، ذات زن ، متحیث به اصطلاح . ذات این زن را نگاه می‌کنند این ذات اگر مادر پیدا کرد این می‌شود ام الزوجه ولو در وقتی که زوجه بود این ام نبود بعد ام شد مهم نیست . دقت کنید خیلی مهم است این مطلب .**

**قاعده‌ی کلی تقییدی باشد .**

**یکی از حضار : از کجا کشف کنیم این قاعده را**

**آیت الله مددی : ها این قاعده چون لسان دلیل هر چه آمد همان موضوعیت دارد . آن وقت این چه می‌گوید می‌گوید ربیبه این نیست که در دامن شما بزرگ بشود ، مهم این است اگر با زنی شما رابطه داشتید هر دختری از این هم به دنیا بیاید این می‌شود ربیبه خوب دقت کنید،**

**یکی از حضار : حیثیت تعلیلی بشود .**

**آیت الله مددی : یعنی تعلیلی . این ربطی به مساله‌ی مشتق ندارد این خیلی آثار در باب نکاح دارد . یعنی عمده‌ی نکته را نمی‌دانم دقت کردید چون ثم تلی قوله اول هم گفت هی ابنته هی حرام و هی ابنته به این مهم هم نیست .**

**یکی از حضار : این قاعده‌ی تعلیل و تقیید در جایی که موافق با احتیاط باشد**

**آیت الله مددی : بحث موافق احتیاط ندارد استظهار نه استظهار است ، مثلا فرض کنید یسالونک عن المحیض قل هو اذی ، فاعتزلوا النساء فی المحیض این فاعتزلوا النساء حیثیت محیضش تقییدی است یا تعلیلی است اگر حکم این است فاعتزلوا النساء از زن‌ها جدا بشوید به خاطر عروض حیض ببینید یعنی اگر حیض هم منقطع شد جدا بشوید ، این می‌شود تعلیلی روشن شد ؟ و لذا اینکه آقایان آمدند گفتند استصحاب جاری می‌کنیم ما گفتیم ربطی به استصحاب ندارد این آیه را چطور معنا بکنیم فاعتزلوا النساء فی المحیض ، اگر النساء فی المحیض شد یعنی زن و حیض پس اگر نقاء پیدا کرد اشکال ندارد اگر فاعتزلوا النساء بعلت المحیض حرام است یعنی آیا موضوع روشن شد این مراد من از تقییدی و تعلیلی ؟**

**اگر موضوع فقط نساء بود این خیلی تاثیر گذار است این مطالب خیلی دقیقی است که آقایان در استصحاب و اینها درش گیر کردند که چکارش بکنند من خیلی ساده و راحت برای شما حل می‌کنم نتیجه‌ی 40 – 50 سال کار مطالعات خودمان است روشن شد ؟**

**ما آن مساله را چون آقایان دقت نکردند ننوشتند هیچ کدام از این آقایان شما نگاه بکنید در بحث کفایه دارد این بحث را نوشتند این توضیحات را ندارند این را برای اولین بار ما این توضیحات را دادیم . که از این روایت یعنی ببینید نسخه داشت ، نکته‌اش چه شد ثم تلی قوله تعالی ببینید و الا اول گفت هی حرام علیه هی ابنته اول گفت اینها را والحرة والمملوکة فی هذا سواء اینها را فرمود ثم و این در بعضی از نسخ نبود نسخه‌ای که درش هست نسخه‌ی صفوان صحیح هم هست در اینجا دارد در یک نسخه‌ی دیگر هم دارد ثم قراء قوله تعالی در یکی دارد ثم تلی قوله تعالی ، یعنی امام دارد شرح می‌دهد آیه‌ی مبارکه را یک اولا آیه مخصوص به زوجه نیست مملوکه را هم می‌گیرد دو لازم نیست اصولا ربیبه باشد حجور را رهایش کن ، نکته‌ی اساسی چیست نکته‌ی اساسی این است هر زنی که شما کان یاتیها هر زنی که شما با او ارتباط پیدا کردید هر وقت این دختر داشت ولو ده سال بعد از شما این ربیبه‌تان است .**

**یکی از حضار : این تعلیلی است**

**آیت الله مددی : ها تقییدی بگیریم مقید می‌شود. لذا این تلی قوله تعالی در حقیقت یک تفسیری است از امام که می‌خواهد بگوید حیثیت در اینجا تعلیلی است تقییدی نیست ذات این زن حرام می‌شود طبیعت این زن این طوری است که اگر این کار شد فی ما بعد ولذا در روایات ما هم دارد که اگر با زنی زنا کرد دخترش برایش حرام است .ولو زوجه هم نبوده است . دیگر شرح‌های دیگر دارد که تمسک به روایت که ما تمسک کردیم در ذیل این مطلب .**

**این نکته‌ی اساسی‌ترش به نظرم این است این خیلی نکته‌ی مهمی است پس اگر زوجه بود اما ام نداشت بعد از ازدواج من شد ام الزوجة ، و امهات نسائکم چون روایت این است امهات نسائکم آیه‌ی مبارکه ، این امهات نسائکم ظاهرش این است که زن باشد مادر است ، این زن بود مادر نداشت بعد از زوجیت مادر پیدا کرد شیرش داد . آیا او هم حرام است یا نه ؟ جواب نعم او هم حرام است ، آن هم امهات نسائکم صدق می‌کند ، ام الزوجة صدق می‌کند . ما بنا بود امشب اصلا بحث را کلا جای دیگر ببریم کتاب علاء گفتیم یک روایت ، ایشان گفتند کتاب علاء را بخوانیم ، اصلا نمی‌رسیم کتاب خیلی بحث طولانی است یعنی باید این اصلا نوشته بشود خیلی تدوین بشود و این یک کار بزرگ است این یکی از مصادر مهم ما در قرن دوم است کتاب علاء الان روشن شد برای شما یک روایت واحده را از شش ، هفت تا نسخه خواندیم نه از دو نسخه و بعد آن نکته‌ی اساسی که هدف ما بود آثار فقهی که برایش مترتب شد نکته را دقت کردید ؟ آن اثری را که برش مترتب کردیم که خیلی مهم بود . وصلی الله علی محمد و آله الطاهرین**